

بررسی تأثیر تحقق مدل بانکداری توسعه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی کشور با تأکید بر شبکه بانکی

داود مرادی^۱، محمدتقی شیخی^۲، طلیعه خادمیان^۳

چکیده

در مقاله حاضر سعی شده است تا ضمن تعریف مفهوم بانک توسعه اجتماعی و تفاوت آن با بانک های تجاری مرسوم بر اساس موسسه جهانی آموزش بانکداری اجتماعی و صاحب نظران این حوزه، الزامات و پیش نیازهای عملیاتی شدن این مدل کسب و کار بانکی را با رویکرد تفسیر گرایی و با استفاده از نظریات ماکس وبر، جورج زیمل و آمارتیاسن تبیین گردد. بر اساس نظریه وبر، عقل سرمایه داری به همراه روحیه اخلاق مدارانه می تواند موجبات رشد و شکوفایی را به همراه داشته باشد. همچنین با توجه به نظریه زیمل می توان دریافت که پول بر تمامی روابط اجتماعی تأثیر گذار می باشد و آزادی بشریت را با همین پدیده می توان تعیین نمود. سپس با روش پژوهش اسنادی آمار و اطلاعات معتبر شبکه بانکی بر اساس داده های وزارت امور اقتصاد و دارایی و همچنین بانک مرکزی در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، عملکرد بانک های کشور مورد ارزیابی قرار گرفته که نتایج آن عدم ساختارمندی، فقدان شفافیت لازم، نبود معیار مناسب در تامین سپرده های بانکی و همچنین عدم توزیع متوازن و تخصیص منابع تسهیلاتی را نشان می دهد. در پایان به منظور دستیابی به یک بانک توسعه اجتماعی، انواع مدل رایج در سطح جهانی که متناسب با ساختار اقتصادی کشور باشد، ارائه و معرفی شده است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، بانکداری، بانکداری توسعه اجتماعی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۴

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (Email: moradi333@gmail.com)

^۲ استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایرن. (نویسنده مسئول) (Email: mtshykhi@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

بدون شک بانک‌ها نقش کلیدی و مهمی در رشد و شکوفایی اقتصادی هر کشور ایفا می‌کنند. حضور بانک به عنوان تسهیلگر و محرک چرخهای اقتصاد و تجارت به عنوان اصلی‌ترین تامین‌کننده خدمات برای اجتماعات محلی، ملی و بین‌المللی، حیاتی و غیر قابل انکار است. از این رو بنگاه‌های مالی و پولی در سال‌های اخیر به عنوان یک مسئله مهم جهانی و رو به افزایش در میان دولت‌ها و تصمیم‌گیرندگان اجتماعی بیان شده است. اکنون، پس از وقوع بحران اقتصادی در خلال سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، بانک‌های اجتماعی در جایگاهی بی‌سابقه‌ای در طول تاریخ قرار گرفته‌اند. اگر چه هنوز بسیار زود است که بگوییم بانک‌های توسعه اجتماعی در همه عرصه‌های اقتصادی و در میان رقابت‌کننده‌ها موفق خواهند بود، اما آن‌ها جای پای خود را در اقتصادهای جهانی محکم کرده و به واقعیتی تبدیل شده‌اند که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. لذا در دوران مدرن و با گسترش فزاینده و پیش‌رونده لیبرالیسم مالی، بانک‌ها اهمیتی دوچندان یافتند و تبدیل به نماد و نشان اقتصاد سرمایه‌داری شدند.

در همین راستا بانک‌های توسعه اجتماعی به عنوان ابزار مهم و اهرم مستحکمی برای تقویت توسعه اقتصادی کشورها معرفی شده‌اند. بانک‌های توسعه محور ابتدا در قالب بانک‌های اقتصاد اجتماعی به وجود آمدند، سپس در کشورهای سرمایه‌داری و در حال توسعه به منظور تأمین مالی زیرساخت‌های جاده‌ای و بزرگراه‌ها، پروژه‌های انرژی و سدها، حمایت از صنایع نوپا و بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه خدمات مالی به خانوارهای کم‌درآمد به وجود آمدند که می‌توان آنها را بانک توسعه اجتماعی^۱ می‌نامند. شایان ذکر است ماهیت متفاوت بانک‌های توسعه‌ای از بانک‌های تجاری سبب شده است تا دولت‌ها به رغم گسترش روزافزون خصوصی‌سازی و کاهش حضور دولت در بانکداری به ویژه در یک دهه اخیر، به تأسیس بانک‌های توسعه‌ای به عنوان بازوی اجرای سیاست‌های توسعه‌ای در کشور خود اقدام نمایند. یکی از علت‌های اصلی شکل‌گیری تأسیس بانک‌های توسعه‌ای در سال‌های اخیر نقش حمایت‌گرایانه و پشتیبانی آنها می‌باشد، به گونه‌ای که اینگونه بانک‌ها در شرایط افول اقتصادی و در زمانی که بانک‌های تجاری از تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی سرباز زده و تمایلی برای تأمین مالی در نرخ‌های بهره پایین از خود نشان نمی‌دهند بانک‌های توسعه‌ای با پذیرش ریسک این فعالیت‌ها در شرایط رکودی شکاف به وجود آمده بین عرضه و تقاضای تسهیلات را پوشش داده و از گسترش رکود جلوگیری می‌نمایند. (Joshi & Goyal, 2011) لازم به یادآوری است که اینگونه بانک‌ها نباید دولتی باشند و می‌توانند با پیروی از اصول بانک‌های توسعه اجتماعی در قالب بانک‌های خصوصی، عمومی و یا محلی فعالیت نمایند.

بیان مسئله

امروزه مفهوم توسعه اجتماعی، مباحث جامعه‌مدنی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، جهانی شدن، حقوق اقلیت‌ها، یکپارچگی اجتماعی، محورهای اصلی توسعه اجتماعی را تشکیل می‌دهند (از کیا ۱۳۸۶). سازمان ملل متحد، توسعه اجتماعی را افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، ساختار اجتماعی، نهادها، خدمات و سیاست بهره‌گیری از منابع برای سطوح زندگی مطلوب‌تر که در معنایی وسیع‌تر در بردارنده ارزش‌هایی است که معطوف به توزیع معتبر درآمد، دارایی و فرصت‌هاست تعریف می‌کند. از سوی دیگر، جهانی شدن با مبانی توسعه و نوسازی کردن پیوند خورده است و یک حرکت رو به جلو و پیشرونده در جهت تغییرات سریع در ساختارهای زندگی بشری و همگرایی بین جامعه جهانی تلقی می‌گردد. جهانی شدن یک بحث واقعی، فرا ملی و تاریخی است. باید به عنوان یک فرآیند فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تصور کرد که شامل ابعاد متنوع فرهنگی، تکنولوژیکی، سیاسی، محیطی دارد که هر یک از اینها دامنه‌ای از الگوها، روابط و فعالیت‌های را در بر می‌گیرد. (هزار جریبی و ارفع‌ی مقدم، ۱۳۹۴)

^۱ Social Development Bank

مشکلات پیش روی اقتصاد جهان و بحران دامنگیر آن نشان از نارساییهایی در فعالیت بانکداری دارد. بسیاری بر این عقیده اند بحران مالی که اروپا و آمریکا طی سال های اخیر پشت سر گذاشت و اثرات اجتماعی و اقتصادی همه جانبه ای بر روی مردم داشت به سبب عدم رعایت بانکداری اجتماعی و تبعیت از اصول اقتصادی آن هم به صورت نادرست و ناقص می باشد. از این رو ضمن در نظر داشتن اهمیت بانک ها در کشور و نیز تاثیراتی که اقتصاد، نوسازی و جهانی شدن جوامع می گذارند، الزام به رویکرد مسئولیت پذیری و به خاص مسئولیت اجتماعی در رسالت آنها ضروری به نظر می رسد. اگر چه مفهوم مسئولیت اجتماعی بنگاه های اقتصادی به یک مفهوم فراگیر در کلیه نظام های اقتصادی در کشورها و ملت های مختلف تبدیل شده است ولیکن به نظر می رسد طرح عنوان مسئولیت اجتماعی، در زمره جرح و تعدیل های ایجاد شده در نظام سرمایه داری لیبرال است. در بسیاری از سازمان ها و موسسات مالی و پولی جهان، مسئولیت های اجتماعی، هستی و سرشت وجودی آنها را تشکیل می دهد و اگر بانک یا موسسه ای یافت شود که تصمیم گیری ها، راهبردها و برنامه هایش فاقد توجه جدی به این مقوله باشد، ادامه فعالیت و ایجاد غنای شغلی در آن با مشکل مواجه خواهد شد. لذا مسئولیت اجتماعی یک موضوع بدیهی و پذیرفته شده در تمام دنیاست. از طرف دیگر براساس این اصل، شرکت های بزرگ و چند ملیتی در هر رشته ای که فعالیت می کنند به همان اندازه که از امکانات و فضای جامعه استفاده می کنند، در برابر آن مسئول هستند و باید به نحوی این مسئولیت را به انجام برسانند. با توجه به این مهم می توان اذعان نمود که یکی از بزرگ ترین مسئولیت های اجتماعی در برابر جامعه به عهده بانک ها و سیستم بانکی می باشد. نقش بانک ها به عنوان تسهیل گر و محرک چرخ های اقتصاد و تجارت، به عنوان نهادهای مولد ثروت و همچنین به عنوان فراهم آورندگان خدمات برای اجتماعات محلی، ملی و بین المللی، بیانگر اهمیت این موسسات در به جریان اندازی حرکت فکری مسئولیت اجتماعی در کل جامعه است.

بنابراین با توجه اهمیت مسائل اجتماعی در نظام بانکداری، این رویکرد باعث پدید آمدن پدیده ای به نام «بانکداری اجتماعی» شده است چراکه بانک های متعارف عمدتاً سودمحور بوده و از محل دریافت سود و انواع کارمزدها بسیاری از هزینه های خود را پوشش می دهند، در حالی که بانک های توسعه اجتماعی بر پایه ترویج وجوه اخلاقی، انسانی و اجتماعی برپا شده اند، گرچه در کنار این هدف عمده سود متعارف و عادلانه ای را نیز مدنظر دارند.

در حال حاضر در بیشتر کشورها بانک های متعارف بی توجه به عواقب و عوارض پرداخت بسیاری از وام ها و بی هیچ دقت نظری نسبت به تأثیرات مخرب، در زمان انجام بسیاری از فعالیت های مالی خود صرفاً جنبه کاربردی تجهیز و تخصیص منابع را در دستور کار دارند، اما بانک های توسعه اجتماعی به آن دسته از افراد حقیقی و حقوقی وام اعطا می نمایند که پروژه های آنان در جهت، توسعه زیرساخت های بنیادین جامعه، اهداف بشردوستانه، حفاظت از محیط زیست، افزایش سطح کیفی رفاه عمومی و امنیت در جامعه و مواردی از این دست می باشد. بانک های فعلی بعضاً با هدف حفظ یا ارتقای جایگاه خود در شرایط مالی بسیار چالشی و رقابتی، مبادرت به اتخاذ روش های تأمین مالی غیرمسئولانه و بسیار مخاطره آمیز می نمایند، در حالی که بانک های اجتماعی طی بحران مالی اخیر به خوبی اثبات نمودند که چگونه با تبیین روش های صحیح در فرایندهای تأمین مالی و اعطای وام می توان در عرصه مالی و اقتصادی موفق بود.

از طرفی به منظور رسیدن به الگوی جهانی ورقابت در سطح بین المللی ایجاب می کند که می بایست از قوانین و دستورالعمل های اعلام شده توسط نهادهای معتبر (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و...) تبعیت نمود چرا که فرآیند توسعه یافتگی بدون در نظر گرفتن سایر رقیبان و همراهان جهانی امکان پذیر نخواهد بود، ضمن آنکه باید در نظر داشت که دیدگاه های متفاوتی درباره جهانی شدن مطرح شده است. به عنوان نمونه شک گرایان با رویکردی تردید آمیز معتقدند که جهانی شدن تداوم سرمایه داری جهانی است. آنان جهانی شدن و آزادسازی تجاری را دو مفهوم ناظر بر توسعه اقتصادی میدانند که بر سیاست های بازار آزاد تاکید می ورزند. آنان بر این باورند که فرایند جهانی شدن بازارهای مالی و سرمایه گذاری را قادر می سازد تا به گونه ای بین المللی عمل

کنند. به عبارت دیگر، جهانی شدن به معنای آنست که تمامی گیتی در دسترس سرمایه و در اختیار صاحبان سرمایه بویژه قدرت های جهانی کاپیتالیستی قرار گیرد. (محمد رضا دهشیری، ۱۳۹۴- به نقل از Thompson & Hirst)

با توجه به آنچه که اشاره شد، مسئولیت اجتماعی بنگاه ها در سال های اخیر به دغدغه ای در سطح جهانی و رو به افزایش در میان دولت ها و مدیران بنگاه ها مبدل گشته است. گرچه صنعت بانکداری، برای مدت طولانی، بخشی با تاثیرات منفی زیست محیطی و اجتماعی ناچیز و قابل چشم پوشی در نظر گرفته می شده است، اما در سال های اخیر، مدیران ارشد موسسات مالی به وسعت دامنه فعالیت های اجتماعی در موسسات خود پی برده اند و دریافته اند که بانک های فعلی نیز این مهم را می بایست به عنوان یکی از اصول بنیادین در زمینه تعامل با مشتریان خود در نظر داشته باشند. لذا شاید بتوان عنوان نمود که بانک اجتماعی توسعه محور، رویکردی مدرن در بانکداری می باشد که فرایندهای اعتباری و مالی را استاندارد می سازد. شایان ذکر است که در اصول اساسی این مدل کسب و کار بانکی چهار رکن را به عنوان شاخص اصلی در نظر گرفته اند که عبارتند از: انصاف^۱، شفافیت^۲، پاسخگویی^۳ و مسئولیت پذیری^۴، که این ویژگی ها فراتر از مرزهای ساختارهای متنوع فرهنگی، حقوقی، اقتصادی و غیره کشورها مطرح است. از طرفی دیگر همانطوری که اشاره گردید در بانک توسعه اجتماعی هر فعالیتی انجام می گیرد بر پایه خلق بازدهی اجتماعی است، نتیجه ای که در آن سود حاصل از فعالیت ها و مبادلات پولی نه هدف نهایی بلکه پیش نیاز رسیدن به مقاصد بالاتر است. از این رویانک ها با برخورداری از دانش و تخصص در مدیریت مالی می توانند بزرگترین تاثیر را در رشد و توسعه کشور ایفا نمایند. (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴)

از این منظر، در نظام بانکداری ایران که از اصول بانکداری اسلامی پیروی می کند و قوانین جامعی چون نظام قرض الحسنه و... نیز در این راستا وجود دارد، انتظار می رود به بانکداری اجتماعی بیش از سایر کشورها توجه شود. اگرچه طی سالیان اخیر بانک ها در مدرسه سازی، تاسیس مراکز درمانی و... مشارکت کرده اند اما حمایت از تیم های ورزشی خاص به ویژه در زمینه فوتبال بیش از فعالیت های عام المنفعه به چشم می آید همچنین به میزانی که از آنها انتظار می رفت در این حوزه عمل نکرده اند. با عنایت به موارد صدرالذکر، در این مقاله سعی شده است تا ضمن تدقیق مفهوم بانک توسعه اجتماعی، به بررسی عملکرد بانک ها در ایران پرداخته شود و نهایتاً الگوی مناسبی برای کشور ارائه گردد.

تاریخچه بانک و بانک های توسعه اجتماعی در ایران و جهان

واژه بانک، از واژه آلمانی بسیار قدیمی *bench, counter, bank, banc*، گرفته شده است. این نیمکت ها به عنوان میز یا شمارگرهای مبادله در دوره رنسانس بودند که توسط بانکداران یهودی فلورانس مورد استفاده قرار می گرفتند که مذاکرات و مبادلاتشان را پشت میزهایی انجام می دادند که با رومیزی های سبز رنگ، پوشیده شده بودند (جوادی و همکاران، ۱۳۸۹). در قدیم مردم ایتالیا، دکه و محل کسب صرافات را «بانکو»^۵ می نامیدند. به تدریج، عملیات صرافی، توسعه یافت و محل کار آنها از دکه های کوچک به مؤسسات بزرگ تبدیل شد اما نام قدیمی خود را حفظ کردند. این مؤسسات گسترده که فعالیت های پولی را انجام می دادند، بانک نامیده شدند. در واقع می توان بیان نمود که بانک ها از زمان های بسیار دور شکل گرفته اند و در قوانینی که حمورابی، ششمین پادشاه سلسله سلاطین بابل (۲۰۶۷ تا ۲۰۲۵ قبل از میلاد) وضع کرد، مقرراتی برای دادن وام و قبول سپرده های تجاری وجود داشت. (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۳)

اما در ایران، کهن ترین شکل بانکداری، مربوط به دوران هخامنشیان و در میان رودان (بخشی از ایران آن زمان) است. در دوره هخامنشی در ایران، صرافی به صورت ابتدایی وجود داشت و مدارکی از این ناحیه بین النهرین به دست آمده است که کاملاً حکم

¹ Fairness

² Transparency

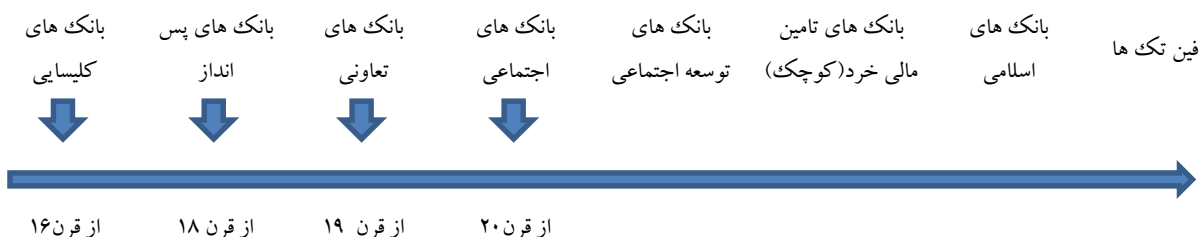
³ Accountability

⁴ Responsibility

⁵ Banco

چک را دارند. واژه بانک نیز در آن زمان، کاربرد داشته و واژه چک از آن روزگار تا به امروز، باقی مانده است. در زمان ساسانیان، بانکداری در ایران توسعه زیادی پیدا کرد. در این عصر، ارسال پول از نقطه ای به نقطه دیگر توسط برات، متداول بود. بانکداری در ایران از قرون وسطی تا اوایل قرن نوزدهم منحصر به فعالیت های صرافی بود و صرافی های بزرگ در تبریز، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز و بوشهر؛ وجود داشتند. در طول این دوره، هیچ مؤسسه دولتی یا بانک خارجی در کشور فعالیت نداشت و نقل و انتقال وجوه در داخل یا خارج توسط صرافان انجام می شد. مؤسسات صرافی عمده آن روزگار شامل تجارتخانه برادران تومانیان^۱ تجارتخانه جمشیدیان، تجارتخانه جهانیان و شرکت اتحادیه بودند که فعالیت بیشتر آن ها تا قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی متوقف شد. در دوره جدید، اولین بانکی که در ایران تأسیس شد، «بانک جدید شرق» نام داشت. این بانک که مرکز آن در لندن بود. بدون دریافت هیچ گونه امتیازی در ایران افتتاح شد. «بانک شاهی» از دیگر بانک های است که در ایران فعالیت داشت. مؤسس این بانک، فردی انگلیسی به نام «پاول جولوس رویت»^۲ بود. این بانک در سال ۱۸۷۲ در ایران تأسیس شد و تا سال ۱۹۴۲ به فعالیت خود ادامه داد. «بانک استقراضی ایران» که در سال ۱۸۹۰ توسط «ژاک پولیاکوف»^۳ ایجاد شده بود، برای مدت ۷۵ سال در ایران فعالیت کرد. نخستین بانک ایرانی، در سال ۱۹۲۵ و تحت عنوان «بانک سپه» فعالیت خود را آغاز کرد. فکر تدوین قانون جامع پولی و بانک و تأسیس بانک مرکزی، به منظور حفظ ارزش پول در سال ۱۹۶۰ و اجرای سیاست پولی، مورد توجه مقامات اقتصادی کشور قرار گرفت. در همین سال، بانک رفاه تأسیس شد. (زنگی آبادی و علی حسینی، ۱۳۸۹)

بر اساس آنچه عنوان شد بانک ها از جمله قدیمی ترین، فعال ترین و گسترده ترین مؤسسات مالی هستند که نقش غیرقابل انکاری در جمع آوری و توزیع مطلوب منابع مالی بر عهده دارند. در این میان نقش و کارکرد بانک های اجتماعی نیز بی تاثیر نبوده و به تدریج پس از شکل گیری انواع بانک، این مدل بانکی نیز به وجود آمده است. در نمودار ذیل چگونگی شکل گیری بانک اجتماعی ترسیم شده است؛



شکل (۱): چگونگی شکل گیری بانک اجتماعی

همانطوری که مشخص می باشد زمان پیدایش این مدل بانکداری در قرن ۲۰ می باشد که پس از شکل گیری بانک های سنتی مرسوم در قرن گذشته به وجود آمدند. بر اساس مطالعه بانک جهانی در خصوص تاریخچه تشکیل بانک های توسعه ای ۱۲ درصد بانک های توسعه ای مورد مطالعه پیش از سال ۱۹۴۶ به وجود آمدند، همچنین ۴۹ درصد بین سال های (۱۹۴۶-۱۹۸۹) و ۳۹ درصد بین سال های (۲۰۱۱-۱۹۹۰). بر اساس همان تحقیق مشخص شده است که تعداد قابل توجهی از بانک های توسعه ای بیش از ۳ دهه قبل در دنیا به وجود آمده اند. این امر مبین این است که دولت ها هنوز در بانک های توسعه ای ابزارهای لازم را برای تقویت رشد اقتصادی می بینند، بنابراین بانک های توسعه ای هنوز از پتانسیل لازم برای کمک به توسعه اقتصادی کشورها برخوردارند. (اشرف افخمی، ۲۰۱۳، ۲۰). از جمله بانک های توسعه ای که در آسیا تأسیس شدند می توان به بانک توسعه ای سنگاپور^۴ (DBS) در سال ۱۹۶۸، بانک توسعه ای کره جنوبی^۵ (KDB) در سال ۱۹۵۴، بانک توسعه ای مالزی^۶ (BPMB)،

^۱ Tumanians Brothers Firms

^۲ Paul Julius Freiherr Von Reuter

^۳ Jacques Polyakov

^۴ Development Bank of Singapour

^۵ Korea Development bank

^۶ Banl Pembangunan Malaysia Berhad

بانک توسعه ای ژاپن^۱ (JDB) در سال ۱۹۵۶ و دو بانک اعتبارات صنعتی ۱۹۵۶ و توسعه صنعتی و معدنی ۱۹۵۹ در ایران اشاره نمود. لازم به ذکر است که عمده این بانک ها با حمایت بانک جهانی تأسیس شدند.

پیشینه

مطالعات انجام شده در خصوص بانک های توسعه اجتماعی و یا نقش بانک های اجتماعی در رشد و توسعه کشورها، توسط مراکز تحقیقاتی و یا گروه های دانشگاهی بسیاری صورت پذیرفته است. این پژوهش ها در تمامی سطوح جوامع توسعه یافته (کشورهای اورپایی و صنعتی) و یا در حال توسعه (آسیای شرقی، هند و...) انجام شده است. لذا در این بخش سعی شده است تا به تحقیقات مرتبط با شاخص ها و اهداف مورد نظر پژوهش اشاره گردد؛

مطالعات خارجی

بورگس و همکاران در تحقیقی با عنوان "بانکداری برای فقرا، شواهدی از هند" به سیاست های اجرا شده در بانک های اجتماعی پرداخته است و برنامه های اعتباری و پس انداز دولتی را در دستیابی به اهداف تعیین شده مورد بررسی قرار داده است. آنان گسترش شعب بانکی و افزایش وام های کم بهره را به عنوان یکی از عوامل کاهش فقر بیان نمودند (Burgess, 2005).
مُحد نور و همکاران در پژوهشی با عنوان "ظرفیت بانک های اجتماعی در میان بانک های مالزی" به بررسی ۱۷ بانک اسلامی پرداخته است و پس از تعریف بانک اجتماعی به تاثیرات این مدل بانکداری در آن کشور اشاره نموده است. بانک های اجتماعی و اسلامی به طور قابل توجهی به اقتصاد اجتماعی این کشور کمک نموده و استدلال می کنند که با توجه به جوامع مسلمان مالزی، بازگشت به مبانی اسلامی و اجتماعی در این کشور ضروری می باشد. از این رو برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیاز به یک مدل جامع از بانکداری اجتماعی می باشد (Mohd Nor, 2014).

کلرک در مقاله ای با عنوان "بانکداری اخلاقی" به تشریح فعالیت بانک های اخلاقی، مؤسسات قرض الحسنه و بانک های میکروفاینانس می پردازد. هدف وی از ارائه این مقاله معرفی بانکداری اخلاقی، اجتماعی و دوستدار محیط است. وی بیان می کند که این نوع بانک ها با وجود تفاوت های فرهنگی، تنوع خدمات و سطح پیشرفت در اهداف و مأموریت اصلی خود اصول اخلاقی و زیست محیطی را مدنظر قرار می دهند، همچنین هدف این بانک ها در نهایت پیشرفت بشر است، در حالی که تنها تعداد کمی از این بانک ها شکست خورده اند و بیشتر آنها راه خود را برای پیشرفت پیدا کرده و به کار خود ادامه داده اند... (Clerck, 2009).

تلمسانی و متوس در مقاله مشترکی با عنوان "بانکداری اخلاقی با دیدگاه اسلامی" به بررسی چارچوب بانکداری اسلامی در جهان پرداخته اند. آنها نقش اسلام در بخش های مالی را بررسی نموده و پس از ارائه مفهوم ربا به بررسی اصول بانکداری اسلامی و ابزارهای بانکداری بدون بهره پرداخته اند. آنها ممنوعیت ربا در دین اسلام و اینکه ریسک می بایست به طور مساوی بین بانک و مشتری تقسیم شود را بیان نموده اند، همچنین عنوان نمودند که بانکداری اسلامی می تواند در یک محیط بیش از حد رقابتی نیز اجرا شود. (Tlemsani & Matthews 2002).

کربنی در مقاله ای تحت عنوان "بانکداری در مسیر اخلاق" وی معتقد است که مؤسسات مالی نباید مانند شرکت های عادی عمل نمایند، بلکه مسئولیت ویژه ای در قبال جامعه دارند، زیرا رعایت اصول اخلاقی در معاملات مالی بسیار حائز اهمیت است. بانکداری اخلاقی با اهداف اجتماعی و زیست محیطی مورد مطالعه قرار است (Carboni, 2011).

هوینر و ویلسون در پژوهشی تحت عنوان "مباحث اجتماعی، زیست محیطی، اخلاقی و اعتماد در بانکداری" نقش سود را در بانکداری اجتماعی، زیست محیطی و اخلاقی بیان می کنند و به ذکر این مطلب می پردازند که در دهه های اخیر سود بانکی از افزایش بسیار زیادی برخوردار بوده است. آنها معتقدند که اعتماد در خدمات مالی بسیار حائز اهمیت است و سرمایه گذاری

¹ Japan Development Bank.

معتبر موجب پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. در سال های اخیر مؤسسات مالی که به اصل اعتماد دارند رو به افزایش است. آنها اهمیت مباحث اخلاقی، اجتماعی و زیست محیطی را در مدیریت ریسک بانک و جلب اعتماد مشتریان بسیار مهم ارزیابی نموده اند. (Wilson & Hoepner 2010)

آندرلی و تاویس مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت را به عنوان خط مشی و تکنیکی ورای اجابات قانونی آن و به منظور سوددهی برای کل جامعه، تعریف کرده اند (Tavis & Enderle ۱۹۹۸). آنجلی دیس و ابراهیم معتقدند مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت شامل فعالیت اجتماعی سازمان با پاسخگویی به نیازهای جامعه است (Angelidis & Ibrahim, 1993). لرنر و فریکسل سئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها را در قالب سازگاری فعالیت ها و درآمد سازمان با انتظارات و ارزشهای جامعه تعریف میکنند. (Fryxell & Lerner, 1998) اسمیت مسئولیت اجتماعی شرکت را به عنوان فرایند ایجاد ثروت، ارتقا مزیت رقابتی شرکت و حداکثر کردن ارزش از ثروت ایجاد شده برای جامعه می بیند که بطور کلی تعهد و توجه کسب و کار به کیفیت زندگی کارکنان، مشتریان، جامعه محلی و کل جامعه را در جهت توسعه اقتصادی پایدار مدنظر دارد. (Smith, 2005) جیمز به بررسی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشور مالزی پرداخته، و نتایج نشان میدهد که توسعه مالی از طریق تشویق پس انداز و سرمایه گذاری خصوصی موجب رشد اقتصادی بالا در این کشور شده است. یافته های وی فرضیه درونزایی توسعه مالی و رشد اقتصادی مبنی بر اینکه توسعه مالی از طریق بهبود کارآیی سرمایه گذاری سبب رشد اقتصادی میشود را تأیید میکند. (James, 2008)

مطالعات داخلی

برزگر و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه ای با موضوع ارائه مؤلفه ها و شاخص های بعد اجتماعی مسئولیت شرکتهای و وضعیت موجود آن در ایران مؤلفه ها و شاخص های افشای بعد اجتماعی مسئولیت شرکتهای را با رویکرد توسعه پایدار و با استفاده از روش پرسشنامه مورد تحلیل قرار میدهد. نتایج تحلیل و شاخص های مطلوب برآورد مدل ساختاری، بیان کننده معناداری و تبیین و توجیه مناسب کلیه مؤلفه ها برای افشای بعد اجتماعی مسئولیت شرکت هاست. یافته ها بیان کننده این است که مهمترین مؤلفه های بعد اجتماعی از نظر انتظارات ذینفعان عبارت از اخلاق کسب و کار، عدم فساد و رشوه خواری و مشارکت در توسعه جامعه میباشد.

(قطبی، نیلوفر، ۱۳۹۲) در کنفرانس خود با موضوع شناسایی ابعاد بانکداری اجتماعی در سومین همایش سالانه بانکداری الکترونیکی و نظامهای پرداخت به بررسی توصیفی بانکداری اجتماعی و بیان مفاهیم زیربنائی، تجربیات بانکهای جهانی، بانکداری اجتماعی و تکنولوژی و وضعیت بانکداری اجتماعی در ایران میپردازد.

(خورسندیان و همکاران ۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان ارائه الگویی برای بانکداری اخلاقی به تدوین الگویی به منظور رتبه بندی شاخص ها و تعیین جهت گیری های اساسی در بانک های اخلاقی میپردازند. به این منظور پرسشنامه های با 30 پرسش طراحی و توسط مدیران بانکهای دولتی و خصوصی تکمیل شده است. نتایج مطالعه بیانگر آن است که از دید مدیران بانکی دو معیار اخلاق در برخورد با کارکنان و سهامداران و مشتری مداری از اهمیت ویژه ای برخوردارند و اهمیت سایر معیارها نسبت به این دو کمتر است.

فلاحی و ابوترابی (۱۳۹۲) با به کارگیری روشها و آزمونهای اقتصادسنجی دادههای تابلویی، به بررسی نقش و جایگاه سیستم بانکی و بازار سهام در تشویق رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای منا پرداختند. نتایج تحقیق آنها گویای آن است که اثر توسعه سیستم بانکی در این کشورها بر نرخ رشد اقتصادی آنها منفی و معنی دار بوده، در حالی که اثر توسعه بازار سهام با وجود مثبت بودن، به لحاظ آماری معنی دار نیست. این نتایج برخلاف شواهد تجربی مشاهده شده در کشورهای توسعه یافته است. آنها

چنین استدلال کرده اند که علت مشاهده چنین نتایجی، مشخصات خاص و متفاوت بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه می باشد.

سلیمی فرو همکاران (۱۳۸۹) با بررسی رابطه علی شاخص های توسعه مالی در بخش بانکی با رشد اقتصادی و با استفاده از روش تجزیه به مؤلفه های اصلی و استخراج یک شاخص کلی برای توسعه مالی بخش بانکی در ایران، نشان دادند که توسعه مالی علت رشد اقتصادی در ایران بوده است.

چارچوب نظری

جایگاه و رویکرد نظری مورد استفاده در این تحقیق، از منظر رهیافت تفسیر گرایی^۱ تبیین شده است. به عبارت دیگر موضع این بررسی، دیدگاه تفسیر گرایی و صاحب نظران عمده آن همچون ماکس وبر به عنوان نظریه پرداز اقتصادی مطرح شده که بر اساس این پارادیم، واقعیت های اجتماعی آن چیزهایی است که انسان ها در زندگی روزمره در ارتباط با شناختی که از پدیده ها دارند و مسائلی که می شناسند و برای آن ها پیش می آید به کار می بندند، یعنی تعریف و توضیح کامل وضعیت ایجاد شده توسط عاملان کنش متقابل. از این منظر برخلاف اثبات گرایان، کنش های انسانی همچون روابط پدیده های طبیعی قابل پیش بینی نیست، چرا که انسان دارای اراده و اختیار بوده و هر لحظه قادر است انتخاب خود را تغییر دهد. در واقع رهیافت تفسیر گرایی استقرایی و اندیشه نگار است که ارایه و نمایش سمبلیک کنش های انسانی و توصیف ظریف آن، از ویژگی تئوری این است که بتواند چگونگی یک نظام معانی گروهی را که تولید و تثبیت می شود، توصیف کند.

بر این اساس ارائه نظریه ماکس وبر را می توان به عنوان یکی از صاحب نظران کلاسیک در نظر گرفت. او که معتقد است عقلانیت سرمایه داری که از فعالیت بشر انتزاع شده، بی تفاوت به نیازهای بشری است، و این بی تفاوتی سیستماتیک و محاسبه گرا است. به نظر وبر در عقلانیت سرمایه داری، تدارک و تهیه برای احتیاجات بشر - که این هدف اقتصادی است - در چارچوب سرمایه گذاری خصوصی بعمل آمده و محاسبه امکانات سودجویی و بهره برداری را در درون این چارچوب امکان پذیر می کند. بدین معنی که سود و نفع افراد منفرد سرمایه گذار یا شرکت های خصوصی باید مدنظر باشد. در نتیجه، این وابستگی در شکل نهائی خود در «کار آزاد» تحقق می یابد که در اختیار سرمایه گذار یا شرکت ها می باشد. از این روی می توان با در نظر داشتن منافع سهامداران، ذینفعان و... در بانک های توسعه ای به رسالت اصلی پیدایش این نوع بانکداری عمل نمود. ولیکن این یک بُعد از بانکداری می باشد که بیشتر مدافع سرمایه و منفعت حداکثری است. اما باید در نظر داشت که ماکس وبر نیز بارها عقلانیت صرف و نظری را مخالف عقلانیت اساسی و عینی که در ابقا و تقویت اقتصادی بشر از «دیدگاه اصول معین اخلاقی» مورد ملاحظه قرار می گیرد، تعریف می کند. واضح است که بر حسب این تعریف یک اقتصاد کاملاً برنامه ریزی شده - مثلاً، اقتصاد غیر سرمایه داری - در مفهوم عقلانیت صرف، منطقی تر و عقلانی تر از اقتصاد سرمایه داری است. چرا که اقتصاد سرمایه داری خود را در محدوده ارزیابی منافع ویژه سرمایه گذاری های خصوصی و «آزادی» بازار قرار می دهد. (مارکوزه، یوسف نراقی، ۱۳۵۷)

ناگفته پیداست که این موضع را نباید به عنوان مخالفت با نظام سرمایه داری بپنداریم. چرا که حذف کامل نظام سرمایه داری و یا عدم تحقق کامل عقلانیت اساسی و عینی نمی تواند جایگزین مناسبی برای نظام فعلی گردد بلکه با اصلاح معایب نظام سرمایه داری می توان نوعی از نظام سرمایه سالار داشت که با تامین خواسته عقلانیت عینی در خدمت جامعه باشد.

از دیدگاه سایر نظریه پردازان اقتصادی، نظریه زیمل نیز قابل توجه و تامل می باشد. طبیعتاً هر پژوهشگری که درباره پول تحقیق می کند، در بررسی خود به نظام مندترین اثر زیمل یعنی «فلسفه پول» می پردازد. این اثر که سرشار از ایده های بدیع و مبتکرانه، مثال ها و مصادیق بی شمار، فکت های تاریخی فراوان و تحلیل های هوشمندانه زیباشناختی، فلسفی و جامعه شناختی درباره پدیده پول و پیامدهای جهانشمول و کلی آن در زندگی و فرهنگ است، به نحوی مبسوط و علمی به بررسی نقش پول در جامعه و تاثیرات آن

¹ Interpretive Approaches

بر روابط اجتماعی می پردازد. واضح است که جوهره اصلی وجودی بانک ها را پول و منابع تعیین می کنند و در حقیقت بانک با پول شناخته می شود. (Deflem, 2003)

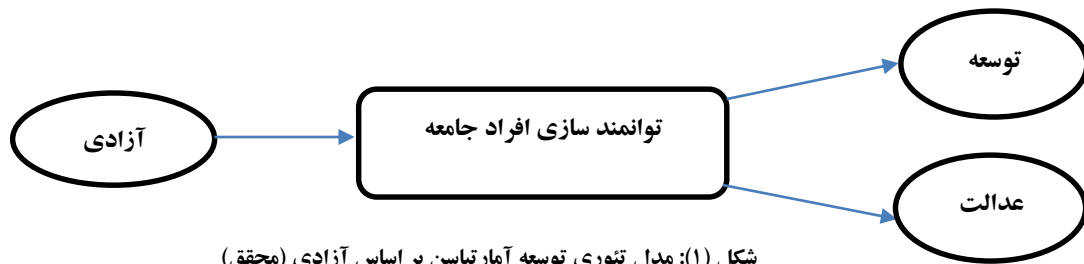
از منظر زیمل، پول وسیله ای است که تقریباً در تعاملات اجتماعی افراد وارد می شود. و تأثیر رهایی بخش بر افراد داشته و همچنین واسطه مهمی در خلق ارتباطات اجتماعی بین افراد است که همین امر موجب برقراری روابط بین مردم می شود. گرچه این روابط به صورت پیوستگی های غیرشخصی سود- هزینه، شی واره شده و قادر است از مرزهای فیزیکی و اجتماعی فراتر رود. باز این روی نیز علاوه بر منطق محاسبه گر و عقلانیت سرمایه نگر می بایست به قدرت و قالبیت پول در روابط اجتماعی و فرهنگی نیز توجه ویژه ای داشت. چرا که پول یک ابزار مطلق می باشد که هیچ رابطه ای با هدف خاصی ندارد، بلکه با «کلیه هدف ها» رابطه دارد. همین خاصیت پول (که در اینجا بانک در نظر گرفته می شود) می تواند موجبات جدایی منابع از جامعه (افراد) شود. چرا که به اعتقاد زیمل پول خالق آزادی ست (مانند فقدان اجبار)، و این آزادی به صورت دیالکتیکی بر فقدان لذت و خوشی و همچنین احساس با کیفیت دلالت دارد.

به اعتقاد زیمل پول باعث می شود تا دارایی (منابع در جامعه) به حرکت دربیاید، و دارایی خود تبدیل به کنش و اشتغالی در تعاملات می شود. از رو می توان به تعبیر زیمل در سطوح کلان اقتصادی، نقش بانک ها را آزادی که همان توسعه و استقلال جامعه می باشد، در نظر گرفت. ضمن آنکه در جهان تجربی به راستی این فقط پول است که به تمامی از قید کیفیت آزاد بوده و کیفیت آن تماماً در کمیتش خلاصه می شود. بدین سان پول به قدرت و محوریتی راز آمیخته در حیات اقتصادی و غیراقتصادی بدل می شود. حال می توان همین موضوع را در خصوص بانک ها و موسسات ارائه دهند خدمات مالی در نظر گرفت، چرا که خروجی این سیستم پول (منابع مالی) بوده و کارکرد آن متفاوت از ذات اصلی پول در دیدگاه زیمل نمی باشد.

همانطور که در نظریه ماکس وبر بیان شد، سرمایه داری موجب آزادی فعالیت های اقتصادی شده و نهایتاً عقلانیت سرمایه داری در کار آزاد تجلی می شود. در این خصوص آمارتیاسن نیز که از نظریه پردازان توسعه معاصر می باشد، ضمن اشاره به تمرکز بر مالکیت خصوصی و نظام بازار آزاد، توجه به آزادی به عنوان ارزش بنیادین، دفاع از دولت حداقلی به عنوان مهمترین ویژگی های نظم نئولیبرال، به رویکردهای مسلط توسعه تحت تأثیر دو فلسفه فایده گرایی در اقتصاد نئوکلاسیک و اختیارگرایی در اقتصاد نئولیبرال معاصر می پردازد. (کریمی موعاری، ۱۳۹۲) از دیدگاه فایده گرایان، سامان سیاسی و اجتماعی یک جامعه هنگامی عادلانه است که در مجموع، به خوشبختی و رفاه جامعه بیفزاید. به همین دلیل برابری مبنایی در این مکتب، جمع کل فایده ها است. آمارتیا سن در برابر این نگرش، بی تفاوتی توزیعی و توجه صرف به رفاه کل را نقص اساسی فایده گرایی می داند. سن معتقد است محرومیت های طولانی و ساختمند شده نظیر نابرابری های جنسیتی در جوامع مردسالار، به تعدیل تدافعی انتظارات منتهی می شود و قربانیان خود را نیز نسبت به خود، شرطی کرده و به انقیاد آنها دامن می زند. فهم اینگونه نابرابری ها در فهم عدالت مهم است، ولی رهیافت فایده محور از درک آن عاجز است. (آمارتیاسن، ۱۳۷۹)

از نظر سن، انسان می تواند به گونه های مختلف از امکانات خود استفاده کند، ولی آزادی او منوط به این است که توانایی زیستن به شیوه هایی که خود انتخاب کرده است را داشته باشد. پیوند آزادی با زیستن به شیوه ای که فرد می خواهد و انتخاب کرده است، سن را تا حدودی به قرائت هایدگر نزدیک می کند؛ هرچند بیان هایدگر از آزادی یک بیان فلسفی و وجودشناسانه است که در آن آدمی به جای استحاله در روزمره گی، متوجه برگزیدن و انتخاب گری در میان امکانات وجودی خود می شود. (صادق میروسی نیک، ۱۳۹۴)

سن معتقد است که با تمرکز بر قابلیت یا همان آزادی، به تلاقی هم زمان عدالت و توسعه برخورد می کنیم، به نحوی که تلاش برای توانمندسازی افراد و رفع موانع قابلیت آنها از یک سو توسعه و از سوی دیگر، افزایش عدالت از طریق کاهش بی عدالتی است.



شکل (۱): مدل تئوری توسعه آمارتیا سن بر اساس آزادی (محقق)

سن با تلقی ای که از آزادی به مثابه توانمندی دارد، معتقد است آزادی هم هدف و هم وسیله توسعه است. توسعه عبارت است از حذف موانع آزادی انسان که قدرت انتخاب و فرصت اعمال عاملیت فرد را محدود می کند و فرصت اندکی برای نقش آفرینی و مختار بودن او برجای می گذارد. در اینجا آزادی نقش آزمون گر توسعه را برعهده دارد. اما از سوی دیگر، آزادی های اساسی، خود ابزار تسریع کننده توسعه هستند و این امر از طریق پیوند آزادی های اساسی و محافظت آنها از یکدیگر صورت می پذیرد. (آمارتیا سن، ۱۳۸۹)

سن با تعبیری که از قابلیت و آزادی دارد، توانایی انتخاب کیفیت زندگی را به جای رفاه محوری در رویکردهای رشد محور توسعه قرار می دهد. از نظر سن، ارزیابی زندگی را نباید صرفاً براساس جنبه رفاهی و دستاوردهای نهایی هر فرد سنجید. رفاه و دستاورد را بدون توجه به جنبه فرصت و آزادی انتخاب نمی توان مبنایی صحیح برای ساماندهی زندگی اجتماعی قرار داد. او معتقد است، جایگاه یک فرد در سامان دهی اجتماعی را می توان از دو منظر نگریست¹: از چشم انداز رفاه و دستاوردهای رفاهی 2: از چشم انداز عاملیت و آزادی دستاورد. از نظر سن، فقر را باید در ارتباط با توانمندی تعریف کرد و آن را جلوه هایی از سلب توانمندی دانست، نه صرف کمبود درآمد. درآمد یکی از عوامل مؤثر بر فقر است، ولی فقر را نباید در کمبود درآمد خلاصه نمود. او در ارتباط با فقر از مفهوم "قابلیت" بهره می گیرد و معتقد است در "فقر قابلیت" اولاً این محرومیت از توانمندی است که فی نفسه مهم است، نه محرومیت از درآمد.

ثانیاً عوامل مهم دیگری در محرومیت از توانمندی نقش دارند که دیدگاه درآمدی قادر به درک آنها نیست. به عبارت دیگر، تأثیر درآمد بر توانمندی نه مطلق، بلکه مشروط است و از عوامل متنوعی نظیر جنسیت و نژاد تأثیر می پذیرد. (آمارتیا سن، ۱۳۹۰)

دیدگاه قابلیت به فقر با در نظر گرفتن این موانع غیردرآمدی، فهم بهتری از فقر ایجاد می کند و توجه ما را از ابزارها (درآمد، بانک ها...) به سوی اهداف (کیفیت زندگی، توسعه و...) جلب می کند. ارتباط توسعه و عدالت با دموکراسی، یکی دیگر از محورهای اساسی رویکرد قابلیت سن می باشد. از نظر سن، آزادی های سیاسی و مدنی قوام بخش آزادی انسانی هستند و نفی آنها فی ذاته یک نقص و معلولیت محسوب می شود. از نظر سن، به سه دلیل آزادی های مدنی و سیاسی یک فضیلت محسوب می شوند و کنار گذاشتن یا به تعویق افتادن آنها خود خدشه وارد کردن به فرایند توسعه است. از این رو گسترش آزادی در سطوح مختلف جامعه و همچنین شکل گیری نهادها و موسساتی که همراستا با این نوع آزادی فعالیت می کنند، می توانند پایه و اساس توسعه پایدار و همه جانبه جوامع را فراهم کنند.

¹ Capability Poverty

روش

پژوهشگران اجتماعی در تحقیقات با برد کلان و با برد متوسط (همانند پژوهش حاضر) در تهیه و ارائه نظریات و گزارش های پژوهشی خود عمدتاً از روش پژوهشی اسنادی استفاده می کنند. روش پژوهش اسنادی^۱ هم به منزله روشی تام و هم تکنیکی برای تقویت سایر روشهای کیفی در پژوهشی های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است (صادقی و عرفان منش، ۱۳۹۴). شایان ذکر است پیش تر، کلاسیک های جامعه شناسی نظیر دور کیم (با استفاده از آمارهای رسمی مدارک خودکشی) و مارکس (با استفاده از گزارشهای بازرسان کارخانه ها، سرشماری ها، گزارشی بانکها و روزنامه هایی مانند (تایمز، اکونومیست و نیویورک دیلی) بیشتر از روش اسنادی بهره برده اند. (همان به نقل از احمد، ۲۰۱۰ و مک کالوک، ۲۰۰۵)

در پژوهش حاضر نیز سعی شده است تا با استفاده از این روش پژوهش اسنادی از طریق بررسی توصیه ها و دستور العمل های موسسه جهانی بانکداری اجتماعی، آمار رسمی، صورت های مالی و... تمامی بانک های ایران (دولتی، غیر دولتی و خصوصی) که توسط بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی ارائه شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

بررسی مفاهیم بانکداری اجتماعی و بانک توسعه اجتماعی

توسعه پایدار بر اساس تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۲ و گزارش کمیسیون سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه^۳ در سال ۱۹۸۷ به معنای توسعه ای است که نیازهای حال را بدون وجه المصلحه قرار دادن توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازهای شان تأمین میکند (UNCED 1987). به عبارت دیگر، توسعه پایدار رویکرد جامعی است که به ارتقای توسعه به شیوه هایی می پردازد که به محیط زیست ضربه ای وارد نیاید یا منابع طبیعی را ضایع نگرداند به گونه ای که در آینده در دسترس باشد. این گزارش می افزاید که شرایط مزبور نه تنها بر سیاست های زیست محیطی، که بر سیاست های اقتصادی و اجتماعی نیز قابل انطباق است (محمد رضا دهشیری، ۱۳۹۴)

به منظور ارائه دقیق تر مفهوم و رعایت اسلوب علمی، به بررسی واژه بانکداری اجتماعی پرداخته می شود. برای برخی از صاحب نظران، بانکداری، فعالیتی ذاتاً اجتماعی است و عبارت بانکداری اجتماعی برای آنها یک عبارت حشو و زائد به نظر می رسد. از طرفی برای تبیین جزئی مفهوم بانکداری اجتماعی باید به این نکته توجه کرد که حقیقتاً تعریف جامعی برای بانکداری اجتماعی وجود ندارد. حتی موسسه جهانی بانکداری اجتماعی^۴ نیز اعلام می کند که تعریف واضحی از این مدل بانکداری وجود ندارد؛ باید تصدیق کنیم که تعریفی جامع از "بانکداری اجتماعی" وجود ندارد و با توجه به تنوع ریشه های تاریخی و ارزش های اساسی آن - مسلماً چنین تعریفی نمی تواند وجود داشته باشد. اما معتقدیم که یک رویکرد مشترک از بسیاری از سازمانها وجود دارد که می توان تحت آنها مفهوم بانکداری اجتماعی را تعریف کرد. (Institute for Social banking, ۲۰۱۷)

برخی دیگر، بانک های اجتماعی را بانک های می دانند که هدف از آنها ارائه خدمات به مشتریان و جامعه در راستای فعالیت های خیریه ای و همچنین قرض الحسنه ای می دانند. برخی دیگر از افراد از واژه بانکداری اجتماعی برای مراجعه به نظام بانکداری بر اساس رسانه های جمعی جدید؛ مانند اینترنت و سایر نرم افزارهای مرتبط استفاده می کنند. در برخی از مناطق، بانکداری اجتماعی، معادل بانکداری دولتی در نظر گرفته شده، در حالی که در برخی از مناطق دیگر، این نوع بانکداری، معادل تأمین مالی خرد ۵ مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت، برخی، استدلال می کنند که قسمت دوم عبارت بانکداری اجتماعی؛ یعنی «اجتماعی» می تواند و اصلاً باید جایگزین پایدار (بانکداری پایدار) یا اخلاقی^۶ (بانکداری اخلاقی) شود؛ در حالی که برخی دیگر اصرار دارند که این

¹ Documentary Research

² World Commission on Environment and Development

³ Commission on Environment and Development (UN)

⁴ Institute for Social Banking

⁵ Microfinance

⁶ Ethical

کلمات نبای به جای یکدیگر به کار گرفته شوند. (Hufeland&Esther, 2016) همه این نهادها و مؤسسات، به لحاظ تعریف و عملکرد، مرکز ثقل متفاوتی دارند و هر یک از این مؤسسات، تمرکز خود را بر جنبه های متفاوتی از تغییرات اجتماعی و توسعه قرار داده اند. علاوه بر این ویژگی که باعث اتصال این بانک ها به بانک های اجتماعی شده، اغلب از کشوری به کشور دیگر و از فرهنگ به فرهنگی دیگر، متفاوت است. با این وجود چگونه می توان تعریفی عمومی ارائه کرد که طی آن بتوان گفت به طور دقیق بانکداری اجتماعی توسعه چیست؟

طی سال های اخیر، تعریف واحدی به عنوان تعریف بانکداری اجتماعی ارائه شده که ریفر^۱ از دانشگاه هامبورگ، آن را این گونه بیان کرده است: بانکداری اجتماعی، نوعی بانکداری است که با فقر می جنگد. البته با در نظر گرفتن این نکته که اغلب بانک های اجتماعی (به جز بانک های تأمین مالی خرد و موسساتی با چنین ویژگی هایی که در جهان سوم به عنوان بانک اجتماعی تلقی می شوند) علاوه بر رفع فقر، در مقیاسی وسیع تر ه سمت خلاقیت اجتماعی، توسعه جامعه و توسعه زیست محیطی نیز حرکت می کنند، این تعریف از بانکداری اجتماعی، به واقعیت نزدیک تر است. (پور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۶)

بندیکتر نیز اذعان می دارد که تعریف مشخص و معینی از بانکداری اجتماعی وجود ندارد؛ (Benedikter, 2011) شوربختانه تعریف بسیار دقیقی از بانکداری اجتماعی وجود ندارد، زیرا امروزه گونه های مختلفی از بانکداری اجتماعی مانند بانک های خصوصی، بانک های توسعه و بانک های صنعت و معدن متولد شده اند. اما با توجه به عملکردهای چند دهه اخیر بانک های اجتماعی میتوان آن را این گونه تعریف کرد: بانکداری اجتماعی نوعی بانکداری است که با فقر می جنگد. اما در حقیقت، بانک های اجتماعی، به جای آنکه با فقر بجنگند، بیشتر به توسعه اجتماع، فرهنگ و دستاوردهای نوین و مدیریتی پرداخته اند. اما تعریف دیگری نیز وجود دارد که بیشتر با واقعیت مطابقت دارد: بانکداری اجتماعی یعنی «بیداری اقتصادی». (موسی خانی و آقایی قهی، ۱۳۹۲)

حال با توجه به بررسی مفهوم اصلی در خصوص این مدل بانکداری و بررسی های انجام شده می توان گفت که شاید اجرای بانکداری توسعه ای نزدیک به مدل بانکداری توسعه ای اجتماعی در اورپا (CEB)^۲ باشد. این شورا که متشکل از ۴۱ کشور اورپایی می باشد، با اهداف توسعه ای و به صورت انجمنی اداره می گردد. در حقیقت کشورهای عضو در این شورا، به عنوان عضو نماینده دارند و توصیه های مربوطه را به مقصد انتقال می دهند.

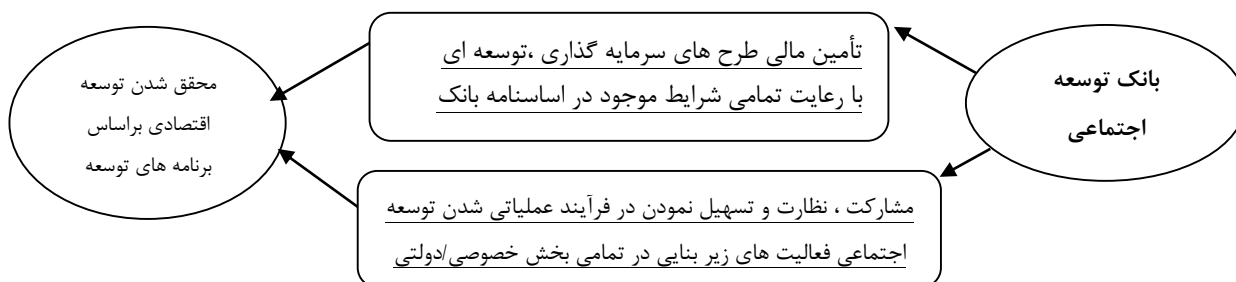
به نظر می رسد اهداف ایجاد بانکداری اجتماعی توسعه محور تا حدودی شبیه به شورای مذکور باشد، ولیکن باید اذعان نمود بانک توسعه اورپا به صورت انجمن و متشکل از چندین کشور می باشد، اما در بانکداری اجتماعی توسعه محور، یک بانک متمرکز که توسط هیات مدیره مشخص و سهامدارن قابل شناسایی در یک کشور مستقل می باشد. از این رو لازم است تاضمن ایجاد یک مفهوم متمایز از سایر مدل های بانکداری، نام دقیق تری برای شناسایی بهتر ارائه گردد.

با توجه به موارد صدرالاشاره، بانک توسعه اجتماعی را باید نوعی از بانکداری دانست که یکی از وظایف آن تاکید و حرکت در راستای تغییر آگاهی های مشتریان بانکی و نیز عموم جامعه بوده تا به آنها آموزش دهد که پول چیست و چگونه می توان آن را در بهترین فعالیت ها، مورد استفاده قرار داد. این نوع از بانکداری، در پی ایجاد و افزایش دید اجتماعی در آگاهی مردم از پول، اجتماع، سیاست، فرهنگ و آموزش به منظور ایجاد جهانی عادلانه تر و متوازن تر است؛ به صورتی که اصول اساسی زیر را مد نظر قرار دهد: ارتقای عقلانیت و رستگاری در میان بیشترین تعداد ممکن از مردم. از این رو جنبه آموزش، یکی از مهم ترین وظیفه بانک های اجتماعی می باشد؛ البته با توجه به اینکه آموزش نیز تنها یکی از جنبه های پیچیده بانکداری اجتماعی می باشد.

¹ Udo Reifner

² Council of Europe Development Bank (CEB)

بانک توسعه اجتماعی چه چیزی نیست؟ بانک توسعه اجتماعی را با خیریه اشتباه نگیرید. این مفهوم نیازهای اجتماعی را همزمان با برآورده ساختن نیاز مشتری به محصولات بانکی مد نظر قرار می دهد تا به بازگشت سرمایه و سود اجتماعی برسد. علاقه مشتری به شبکه های اجتماعی و بانکداری اجتماعی به مفهوم این نیست که مشتری می خواهد بانک او یک شبکه اجتماعی نظیر فیس بوک باشد. (قطبی، نیلوفر، ۱۳۹۲) بنابراین می توان راهبرد حرکت بانکداری اجتماعی بر مبنای توسعه را بر اساس مدل ذیل ترسیم نمود؛



شکل (۲): فعالیت بانک توسعه اجتماعی

آمار و عملکرد بانک های کشور

تهیه آمار و اطلاعات معتبر جهت بررسی علمی لازم و ضروری است، لذا با توجه به اهمیت موضوع سعی شده است تا از داده های منتشر یافته از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت اقتصاد و دارایی و بانک های مورد بهره برداری تحلیل شود. آمار قطعی منتشر یافته حاکی از آن که در پایان سال ۱۳۹۳ شبکه بانکی کشور دارای ۱۶،۸۹۰ شعبه بوده است. به طور کلی بانک های کشور با دارا بودن ۱۷،۲۵۰ شعبه برخط، تعداد ۰۴۳،۳۴ دستگاه خودپرداز و ۲۴۹،۳۵۳،۵۳۲ کارت برداشت در عرصه بانکداری الکترونیک خدمات ارائه نموده اند. بر اساس اطلاعات استخراج شده از خلاصه دفتر کل بانک های دولتی و بانک های که دولت در آنها سهام دارد در پایان سال ۱۳۹۳ بانک های مذکور ۴،۹۳۷،۲۴۶ میلیارد ریال سپرده جذب نموده اند. بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط وزارت اقتصاد و دارایی، اقلام عمده دارایی ها و بدهی سیستم بانکی بر اساس جدول شماره ۱ می باشد؛

جدول (۱): اقلام عمده دارایی ها و بدهی های سیستم بانکی

درصد تغییر	مانده در پایان سال		
	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
	۱۳۹۳	۱۳۹۴	دارایی ها
۲۲/۰	۱۵/۳	۲۲۵۹۱/۷	۱۸۵۱۸/۴
۱۵/۶	-۰/۴	۵۸۲۳/۰	۵۰۳۵/۳
۱۲/۵	۳/۷	۳۵۱۷/۵	۳۱۲۶/۲
۲۸/۴	-۵/۹	۸۵۴/۷	۶۶۵/۹
۱۶/۷	-۶/۹	۱۴۵۰/۸	۱۲۴۳/۲
۱۸/۶	۳۲/۱	۱۷۳۸/۶	۱۴۶۶/۰
۱۶/۷	۱۶/۷	۷۳۶۲/۲	۶۳۰۹/۰
۴۳/۳	۲۷/۴	۷۶۶۷/۹	۵۷۰۸/۱
۲۲/۰	۱۵/۳	۲۲۵۹۱/۷	۱۸۵۱۸/۴
۳۰/۰	۲۲/۳	۱۰۱۷۲/۸	۷۸۲۳/۸
-۱۷/۵	۲۳/۱	۶۳۵/۵	۷۷۰/۲

۱۱/۶	-۰/۵	۳۳۵۸/۷	۳۰۰۸/۶	بدهی های ارزی
۲/۶	۱۵/۴	۱۵۸۱/۱	۱۵۴۱/۵	بانک مرکزی
۳۰/۶	-۱۷/۱	۵۷۴/۷	۴۳۹/۹	بانک های دولتی
۱۷/۱	-۱۱/۱	۱۲۰۲/۹	۱۰۲۷/۲	بانک های غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی
۲۱/۸	۱۵/۱	۸۴۲۴/۷	۶۹۱۵/۸	سایر

در پایان سال ۱۳۹۴، دارایی ها و بدهی های سیستم بانکی با رشدی معادل ۲۲٪ نسبت به سال قبل به ۲۲۵۹۱/۷ هزار میلیارد ریال رسیده است. بانک های دولتی، غیر دولتی و موسسات غیر بانکی و دارایی های خارجی نیز به ترتیب با رشدی معادل ۲۸/۴، ۱۶/۷ و ۱۵/۶ درصد از عوامل مهم افزایش دارایی های سیستم بانکی بودند. همین مسئله می بایست در رشد و توسعه مد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر به میزان افزایش دارایی، می بایست شاخص های توسعه رشد داشته باشد. اما در سمت بدهی ها، وام ها و سپرده های بخش دولتی با کاهش ۱۷/۵- نشان از عدم پرداخت تسهیلات در سطح جامعه می باشد. به منظور بررسی توزیع تسهیلات اعطایی توسط شبکه بانکی کشور به بخش غیر دولتی، داده های مربوطه در جدول شماره ۲ نشان داده می شود؛

جدول (۲): سهم بخش های اقتصادی از تغییر در مانده خالص تسهیلات اعطایی شبکه بانکی به بخش غیر دولتی

۱۳۹۴ (درصد)			۱۳۹۳ (درصد)			
شبکه بانکی	بانک های غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی	بانک های دولتی	شبکه بانکی	بانک های غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی	بانک های دولتی	
۶/۲	۱/۳	۱۶/۹	۱۰/۱	۴/۱	۲۱/۳	کشاورزی
۱۷/۱	۱۸/۶	۱۳/۹	۱۶/۶	۲۲/۸	۵/۰	صنعت و معدن
۱۲/۵	۷/۱	۲۴/۴	۲۸/۸	۲۱/۱	۴۳/۰	ساختمان و مسکن
-۱/۱	-۱/۳	-۰/۵	-۰/۴	-۰/۳	-۰/۴	صادرات
۶۵/۳	۷۴/۳	۴۵/۳	۴۴/۹	۵۲/۳	۳۱/۱	بازرگانی داخلی، خدمات و متفرقه
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۲، توزیع مصارف شبکه بانکی نشان داده شده است که طی آن تغییر در مانده تسهیلات اعطایی به تفکیک بخش های مختلف در سال ۱۳۹۴، بالاترین سهم (۶۵/۳ درصد) از افزایش در مانده خالص تسهیلات اعطایی شبکه بانکی به بخش غیر دولتی، به فعالیت "بازرگانی داخلی، خدمات و متفرقه" اختصاص داشته است و به ترتیب فعالیت های "صنعت و معدن" (۱۷/۱ درصد)، "ساختمان و مسکن" (۱۲/۵ درصد) و کشاورزی (۶/۲ درصد) در مراتب بعدی اهمیت قرار داشته اند. به عبارت دیگر بیشترین سهم تسهیلات شبکه بانکی به خدمات و بازرگانی داخلی اختصاص داده شده، که با توجه به مشخص نبودن پرداخت اینگونه وام به بخش های تولیدی، سرمایه در گردش و... نمی توان آن را به عنوان رشد و توسعه در تمامی بخش های اقتصادی در نظر گرفت ضمن آنکه عدم شفافیت به عنوان یکی از ارکان مهم بانک های توسعه اجتماعی بیان شده است. ضمن آنکه توزیع متوازن در بخش های اقتصادی (بدون در نظر داشتن مزیت های رقابتی همچون کشاورزی و...) رعایت نشده است. با عنایت به اینکه تاثیر تسهیلات اعطایی در کشور می بایست در حساب های ملی منعکس شده باشد، اطلاعات جدول شماره ۳ به شرح ذیل نشان داده می شود؛

جدول (۳): ارزش افزوده ایجاد شده در حساب های ملی

حساب های ملی (به قیمت های جاری)	
ارزش افزوده در بخش های مختلف (میلیارد ریال)	ارقام داخل پرانتز سهم درصد

خدمت	ساختمان	صنعت و معدن	صنایع و معادن	کشاورزی	نفت	
۳۷۹۸۶۹۳	۶۹۱۷۰۵	۹۶۶۹۸۰	۱۷۶۸۲۵۶	۵۵۸۴۷۴	۱۱۶۴۷۱۳	۱۳۹۱
(۵۳/۶)	(۹/۸)	(۱۳/۶)	(۲۴/۹)	(۷/۹)	(۱۶/۴)	
۴۹۳۰۰۶۰	۸۶۳۹۰۸	۱۱۸۵۰۳۱	۲۱۶۵۰۹۷	۸۴۳۶۴۷	۱۵۸۹۶۳۳	۱۳۹۲
(۵۲/۸)	(۹/۲)	(۱۲/۷)	(۲۳/۲)	(۹/۰)	(۱۴/۰)	
۵۸۱۱۲۷۷	۹۴۲۲۰۹	۱۳۸۵۵۹۴	۲۴۸۲۰۷۰	۱۰۰۹۱۴۱	۱۶۴۹۴۷۹	۱۳۹۳
(۵۳/۸)	(۸/۷)	(۱۲/۸)	(۲۳/۰)	(۹/۳)	(۱۵/۳)	
∞	∞	∞	∞	∞	∞	۱۳۹۴

با توجه به داده های جدول فوق، بخش های ساختمان، کشاورزی و صنعت و معدن به ترتیب معادل ۸/۷ درصد، ۹/۳ درصد و ۱۲/۸ درصد دارای ارزش افزوده در سال ۱۳۹۳ می باشند. همچنین در همین دوره بخش خدمات با ۵۳/۸ درصد دارای بیشترین ارزش افزوده در میان سایر بخش های اقتصادی است که مسلماً رشد و توسعه هر کشوری بدون در نظر داشتن زیر ساخت های اصلی آن کشور غیر ممکن و دشوار به نظر می رسد.

بر اساس ضوابط استاندارد و ضوابط موجود، بانک های توسعه اجتماعی در هنگام پرداخت تسهیلات می بایست هدف وام گیرنده را جهت توزیع مناسب تسهیلات بررسی و با اعمال نظر کارشناسی به بخش های مناسب تخصیص دهند. در جدول شماره ۴ هدف از دریافت تسهیلات نشان داده شده است؛

جدول (۴): هدف از دریافت تسهیلات پرداختی در بخش های اقتصادی طی هفت ماهه سال ۱۳۹۶ (کل بانک ها)

بخش اقتصادی	کشاورزی		صنعت و معدن		مسکن و ساختمان		بازرگانی		خدمات		متفرقه		کل بخش ها	
	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل
ایجاد	۳۹,۷۷۲	۱۶/۱	۷۳,۱۱۴	۷/۷	۲۹,۶۰۷	۱۲/۴	۱۶,۴۱۹	۳/۷	۱۲۳,۲۲۶	۹/۸	۱۷۲	۵/۵	۷۸۲,۳۱۱	۹/۰
تأمین سرمایه در گردش	۱۶۷,۶۴۰	۹۷/۹	۷۹۹,۱۵۱	۸۳/۷	۵۲,۰۱۲	۲۱/۸	۳۱۴,۰۹۵	۷۱/۵	۶۳۴,۵۴۳	۵۰/۶	۱,۷۵۲	۶۶/۵	۱,۹۹۹,۱۹۲	۶۲/۸
تعمیر	۵۵۰	۰/۲	۵,۰۲۴	۰/۵	۲۷,۱۷۳	۱۱/۴	۳,۳۰۹	۰/۸	۴۹,۶۶۸	۴/۰	۴	۰/۱	۸۵,۷۲۹	۷/۷
توسعه	۱۴,۵۷۴	۵/۹	۳۷,۳۱۷	۳/۹	۶,۵۶۶	۲/۸	۱۱,۷۵۴	۷/۷	۷۳,۴۴۰	۵/۹	۷/۶	۱۰/۹	۱۴۳,۰۳۵	۴/۶
خرید کالاهای شخصی	۷,۱۹۲	۲/۹	۱۳,۹۱۹	۱/۵	۷,۲۶۳	۳/۰	۲۶,۶۰۴	۵/۸	۱۶۷,۹۶۱	۱۳/۴	۹۷	۳/۷	۲۲۲,۰۳۵	۷/۱
خرید مسکن	۹۲۰	۰/۴	۲,۳۵۷	۰/۲	۱۰۷,۲۴۷	۴۵/۱	۲۷,۶۴۶	۶/۳	۱۸,۸۴۰	۱/۵	۱۵	۰/۶	۱۵۷,۵۱۵	۵/۰

سایر	۱۶۳۳۴	۶/۶	۲۳۳۵۸	۷/۴	۵۱۳۳۳	۳/۵	۴۰۹۴۸	۹/۲	۱۸۶۳۳۲	۱۴/۹	۳۱۰	۱۱/۸	۲۷۵۱۴۶	۷/۸
جمع	۲۴۷۰۲۳	۱۰۰/۰	۹۵۴۳۴۰	۱۰۰/۰	۲۲۱۷۰۳	۱۰۰/۰	۳۴۹۱۷۵۶	۱۰۰/۰	۱۰۲۵۴۰۰۹	۱۰۰/۰	۲۶۳۳۵	۱۰۰/۰	۳۱۳۵۸۶۶	۱۰۰/۰

داده های جدول مذکور هدف از دریافت تسهیلات در بخش های مختلف اقتصادی در هفت ماهه سال ۱۳۹۶ نمایش داده که بر اساس آن بیشترین میزان تسهیلات پرداختی در بخش اقتصادی با هدف تامین سرمایه در گردش با ۶۲/۸ درصد و معادل با ۱،۹۶۹،۱۹۲ میلیارد ریال می باشد و حوزه های تعمیر و توسعه به ترتیب ۲/۷ و ۴/۶ درصد کمترین میزان تسهیلات قرار دارد. بنابراین بیشترین مقدار تسهیلات به سرمایه در گردش اختصاص داده شده است که هر چند بر اساس قوانین بانک های توسعه اجتماعی تخصیص وام های سرمایه در گردش ا به عنوان یکی از انواع تسهیلات مورد نظر در بخش های توسعه می باشد، ولیکن در اینجا نیز به علت عدم شفافیت نمی توان به صراحت به تزیق منابع در محل درست و صحیح اشاره نمود. ضمن آنکه در جدول شماره ۵، بیشترین حجم تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به عقود مشارکت مدنی و فروش اقساطی با بیش از ۶۸٪ در نظر گرفته شده است. نکته قابل تامل سهم درصد بانک های تجاری در عقود سرمایه گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی به ترتیب ۲/۳ و ۱/۲ بوده که نسبت به بانک های تخصصی (مسکن، کشاورزی و...) بیشتر می باشد.

جدول (۵): ترکیب مانده تسهیلات اعطایی شبکه بانکی به بخش غیر دولتی به تفکیک عقود

شبکه بانکی	بانک های غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی		بانک های تخصصی		بانک های تجاری			
	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۳		
فروش اقساطی	۲۴/۷	۲۹/۴	۹/۵	۱۳/۶	۶۱/۹	۶۳/۳	۲۳/۲	۳۳/۴
مضاربه	۲/۳	۲/۵	۲/۷	۳/۱	۰/۵	۰/۴	۳/۹	۳/۹
مشارکت مدنی	۴۴/۰	۴۱/۹	۵۶/۰	۵۴/۶	۲۱/۳	۲۱/۹	۳۳/۷	۲۶/۸
قرض الحسنه	۵/۰	۵/۱	۵/۶	۵/۹	۲/۱	۱/۹	۶/۷	۷/۳
اجاره به شرط تملیک	۰/۲	۰/۴	۰/۲	۰/۴	۰/۳	۰/۳	۰/۴	۰/۹
سلف	۰/۴	۰/۴	۰/۰	۰/۱	۰/۸	۰/۷	۰/۹	۱/۱
مشارکت حقوقی	۳/۴	۳/۱	۵/۱	۴/۷	۰/۷	۰/۶	۱/۲	۱/۰
سرمایه گذاری مستقیم	۱/۱	۰/۹	۱/۱	۱/۰	۰/۳	۰/۳	۲/۳	۱/۷
جعاله	۴/۲	۴/۶	۲/۷	۳/۱	۴/۳	۴/۳	۱۰/۲	۱۱/۰/
مراجعه	۳/۷	∞	۴/۴	∞	۱/۰	∞	۵/۲	∞
سایر	۱۱/۰	۱۱/۷	۱۲/۷	۱۳/۵	۶/۸	۶/۴	۱۱/۳	۱۲/۹
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

منابع تأمین وجوه در بانک های توسعه اجتماعی

این مدل بانکداری می تواند از گزینه های متفاوتی برای تجهیز منابع مورد نیاز فعالیت های خود استفاده کنند. ضمن آنکه باید مجددا تاکید کرد که بانک توسعه اجتماعی همانند سایر بانک های تجاری، قرض الحسنه، تخصصی و... می تواند فعالیت داشته

¹ Bridge loans

باشد و تنه اهداف تجهیز منابع و یا رسالت این مدل بانکداری با سایر موارد متفاوت می باشد. لذا در ذیل برخی از راه های تامین منابع آنها عبارتند از:

- پس انداز و سپرده های مردم
- استقراض از سایر مؤسسات مالی
- استفاده از سهام مالکیت در بورس
- دریافت بودجه تخصیصی از دولت
- درآمد حاصل از سرمایه گذاری در بازار سرمایه داخلی و خارجی
- تخصیص از محل صندوق ذخیره ارزی
- بهره برداری از طرح های زیر بنایی و توسعه ای درآمد زا (پتروشیمی، سد سازی، راه آهن و...)

در این بین، برخی از بانک های توسعه از تمام این منابع استفاده می نمایند. برخی از صاحب نظران اقتصادی همچون رادولف ۱ بیان می کنند بجز مواردی که هدف بانک تقویت پس انداز ملی باشد استفاده از منابع سپرده ای برای تأمین مالی بانک های توسعه امری نامطلوب است. پذیرش این نکته به بانک های توسعه ای اجازه می دهد تا به جای رقابت با بانک های خصوصی برای جذب منابع از طریق سپرده گذاری تنها بر عملیات اعتباردهی تمرکز داشته باشند. به عبارت دیگر، اگر یک بانک توسعه ای به مشتریان عام سپرده گذاری و پس انداز را پیشنهاد دهد تفاوت بین بانک های تجاری و توسعه ای از بین خواهد رفت.

در مطالعه انجام شده توسط بانک جهانی از ۱۰۶ بانک توسعه ای دنیا ۴۱ درصد از آنها پاسخ مثبت به پذیرش سپرده از عامه مردم داده اند. همچنین در مطالعه بانک جهانی ۸۹ درصد از بانک های توسعه ای می توانند از بازارهای مالی استقراض نموده یا در بازارهای مالی محلی ایجاد بدهی نمایند. در این مطالعه از بین مؤسسات مالی تحت تملک دولت ۶۴ درصد از آنها از حمایت های دولتی در قالب ضمانت بدهی های آن ها برخوردارند. همانطور که عنوان شد ۸۹ درصد از بانک های توسعه ای می توانند از سایر مؤسسات مالی قرض گیرند، در این صورت این امتیاز ضمانت دولتی باعث می شود آنها قادر به استقراض در نرخ هایی پایین تر از نرخ های بازار باشند، بنابراین منابع ارزان تری را در اختیار مشتری نهایی خود قرار دهند. (اشرف افخمی ۱۳۹۴، ۳۰)

لازم به یادآوری است بانک های توسعه ای از لحاظ هدف، ترکیب منابع، راهبردها، فعالیت ها، نیازها و پیامدها و میزان ریسک پذیری با بانک های تجاری متفاوتند. جدول زیر تفاوت بانک های توسعه ای و تجاری را از جهات مختلف نشان می دهد:

جدول (۶): تمایزهای بانک های تجاری و توسعه ای

شاخص	بانک تجاری	بانک توسعه ای
هدف	حداکثر سازی سود	بهبود سازی سود در راستای سیاست های توسعه اقتصادی
ترکیب منابع	معمولا کوتاه مدت (کمتر از یک سال)	معمولا میان مدت و بلند مدت
	عمدتا از طریق جذب سپرده ها	منابع کلان از دولت، بانک مرکزی و سایر بانک ها و صندوق های ذخیره ای
راهبرد تخصیص منابع	اعطای تسهیلات در هر گونه طرح یا واحد زودبازده، کم خطر و پر بازده	تأمین مالی بلند مدت طرح های بزرگ، دیربازده و پر خطر ارائه مشاوره های تخصصی به کارآفرینان تقویت کارآفرینان و کمک به ایجاد فضای مناسب فعالیت بخش خصوصی
فعالیت ها	عمدتا تجاری، خدماتی یا تأمین سرمایه در گردش واحد های صنعتی	معمولا متمرکز بر تأمین مالی سرمایه ثابت فعالیت های خاص (صنعت، کشاورزی، ساختمان یا صادرات)
پیامدها	فاقد تخصص های لازم برای وام دهی به طرح های بلند مدت و پرخطر و تعداد شعب زیاد برای	دارای تخصص های حرفه ای در زمینه های اقتصادی، فنی، مالی، حقوقی و مدیریتی طرح ها تبعیت از ضوابط و معیارهای مشخص در اعطای

^۱ Rudolph 2007

تسهیلات	جذب سپرده	میزان ریسک پذیری
ریسک های به مراتب پیچیده تر به دلیل تمرکز فعالیت اعطای تسهیلات ارزان و با شرایط آسان یا طرح های بسیار بزرگ و جدید	کوتاه مدت و ساده	

اگرچه مقایسه بانک های توسعه ای کشور، تحلیلی در خصوص عملکرد آنها به دست می دهد، اما مقایسه بانک های توسعه ای با بانک های تجاری می تواند تحلیل دقیق تری را در رابطه با عملکرد این بانک ها در کل نظام بانکی فراهم آورد. بر اساس آنچه عنوان شد، به دلیل تفاوت در ماهیت فعالیت بانک های تجاری و توسعه ای شاخص های عملکردی آنها نیز تا حدودی متفاوت است. (همان)

مدل های پیشنهادی کسب و کار در بانکداری توسعه اجتماعی

بانک های توسعه ای اصولاً ترکیبی از بخش ها را به عنوان بخش های هدف انتخاب می کنند که از بین آنها بخش های خدمات، صنعت و تولیدات، کشاورزی و مسکن و ساختمان از بیشترین سهم برخوردارند. بانک های توسعه ای همواره خدمات مالی گوناگونی از قبیل وام های بدون وثیقه، تسهیلات فعالیت های جدید، وام های سندیکایی، وام کوتاه مدت، وام سرمایه در گردش و وام بلند مدت را برای تأمین مالی بخش های مختلف ارائه داده اند که در این بین وام های بلند مدت و سرمایه در گردش بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند.

همانگونه که پیش تر اشاره گردید علاوه بر وظایف و عملکرد های سایر مدل های بانکداری، می توان برای بانک های توسعه اجتماعی انواع مدل کسب و کاری را با توجه به اهداف آنها (توسعه و رشد کشور) در نظر گرفت. در ذیل به برخی از انواع مدل های رایج و هماهنگ اشاره گردیده است؛

خدمات مالی

خدمات می تواند شامل این موارد باشد؛

مدل کسب و کار عملیات بانکی، مدل کسب و کار جمع سپاری مالی^۱، مدل کسب و کار وام دهی P2P انفرادی/گروهی غیر قرض الحسنه، مدل کسب و کار وام دهی P2P انفرادی/گروهی قرض الحسنه، مدل کسب و کار وام دهی P2P صندوقهای محلی.

خدمات غیر مالی

مدل کسب و کار مدیریت روابط با مشتری اجتماعی^۲، مدل کسب و کار بازاریابی اجتماعی^۳، مدل کسب و کار مدیریت دانش اجتماعی^۴، مدل کسب و کار استخدام اجتماعی^۵، مدل کسب و کار جمع سپاری^۶

تجزیه و تحلیل یافته ها

صنعت بانکداری، برای مدت طولانی، بخشی با تاثیرات منفی زیست محیطی و اجتماعی ناچیز و قابل چشم پوشی در نظر گرفته می شده است اما در سال های اخیر وبه خصوص پس از بحران جهانی ۲۰۰۷، مدیران و تصمیم گیران صنعت مالی و موسسات اعتباری به وسعت دامنه فعالیت های اجتماعی و توسعه ای در سازمان خود پی برده اند. باید در نظر داشته باشیم که موسسات مالی و بانکی علاوه بر نقشی که از طریق مدیریت ارزیابی اثرات عملکرد خود بر جامعه دارند، نقشی حیاتی نیز در تشویق و انگیزش مشتریان (حقیقی و حقوقی) خود به منظور پاسخگویی و اقدام مسئولانه در جهت کاهش اثرات سوء اجتماعی، توجه به زیرساخت های اصلی سرزمین و زیست بوم محیط پیرامون فعالیت های خود دارند. از آنجا که موسسات مالی نظارت و کنترل جریان سرمایه، وام دهی، تأمین مالی پروژه ها و سیاست ها و اقدامات بیمه ای را بر عهده دارند، قادرند در نحوه عملکرد کسب و

¹ Crowd Funding

² SCRМ

³ Social Marketing

⁴ Social Knowledge Management

⁵ Social Media Recruitment

⁶ Crowed Sourcing

کارهای تحت حمایت خود اعمال نفوذ نمایند. به این ترتیب، بانک ها می توانند مشتریان را وادار به پاسخگویی در قبال مسائل و معضلات اجتماعی و رشد و توسعه نمایند که ناشی از کسب و کار آنها است. به این ترتیب، عدم توجه بانک ها به مسئولیت های اجتماعی و عواقب عملکردی خود می تواند ریسک های سرمایه گذاری و اعتباری چشمگیر برای جوامع بشری به همراه داشته باشد. لذا با عنایت به اطلاعات و داده های بررسی شده، می توان دریافت که نوسازی، بهسازی و بازسازی سیستم های یک جامعه و به خصوص موسسات مالی و مرتبط با اقتصاد می بایست روش های استاندارد و جهانی شده مربوطه را اتخاذ و پیاده سازی نمایند. به عنوان مثال اعطای تسهیلات به واحدهای تولیدی و توسعه ای به جای گسیل شدن سرمایه های بانکی به عرصه دلالی و باند بازی اقتصادی، یک ضرورت است. متأسفانه برخی بانک ها به جای کار خدماتی، خود غول دلالی شده اند و با فرصت های ویژه، جابه جایی پول و ارز و سکه و زمین، عامل عمده تورم و کاهش ارزش پول ملی اند. در این میان، برنامه های برای مدیریت نقدینگی مشاهده نمی شود و یک روز بازار مسکن و یک روز موبایل و یک روز سکه و خودرو، میهمان ناخوانده و نامفید این سرمایه های ملی اند. (رفیعی و شیری، ۱۳۹۴)

همچنین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان پایه گذار سیاست های بانکی و برانگیزنده بانک ها به سوی تحقق مسئولیت اجتماعی می تواند آغازگر جنبش مسئولیت اجتماعی در صنعت بانکداری و نظام بانکی کشور و پس از آن، در دیگر صنایع و بنگاه ها باشد. در این راستا، وزارت امور اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی ج.ا.ا. به عنوان نهاد تنظیمی و نظارتی بانک ها، موظف است با ایجاد زیرساخت های لازم برای نهادینه سازی مسئولیت اجتماعی در بانک های کشور روند مسئولیت پذیری اجتماعی را در صنعت بانکداری و در پی آن سایر صنایع کشور تسهیل و تسریع نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان متولی اصلی می تواند با وضع مقررات و استانداردهای عملکردی مناسب جهت نظارت بر فعالیت بانک ها از جنبه توجه به مسئولیتهای اجتماعی به نظارت و ارزیابی بانک ها پردازد. به عنوان مثال، می توان به برگزاری کنفرانس ها و سمینارهای مربوط به مسئولیت اجتماعی در صنعت بانکداری، ایجاد کمیته های مبارزه با رشوه، فساد مالی و پولشویی، الزام بانک ها به ارائه گزارش های سالانه مسئولیت اجتماعی، الزام شفافیت و آشکار سازی اطلاعات بانکی به ذینفعان و همچنین قرار دادن استانداردهای مناسب برای بانک ها به عنوان مهمترین نهادهای سرمایه گذاری فعال در جامعه اشاره نمود. به علاوه، با توجه به اهمیت و ارزش روزافزون این مدل بانکداری در دنیا و همچنین جلب توجه سرمایه گذاران و مشتریان به آن، یکی از خطوط اصلی فعالیت های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می تواند ایجاد بانک اجتماعی توسعه مدار و ارائه خدمات بانکی اسلامی در سطح داخلی و بین المللی باشد.

از طرف دیگر به منظور تحقق و پیاده سازی مسئولیت اجتماعی در بانکهای کشور لازم است دو خط مطالعاتی ترسیم گردد. نخست، با بررسی روند تکاملی مسئولیت اجتماعی بانک ها در کشورهای توسعه یافته و نحوه پیاده سازی و تحقق اهداف مسئولانه شناخت لازم و کافی در این حوزه به عمل آید. پس از آن، با انجام مطالعه در مورد وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همچنین وضعیت صنعت بانکداری در داخل کشور در مورد چگونگی پیاده سازی این اقدامات تصمیم گیری لازم به عمل آید.

نتیجه گیری

آنچه امروزه واضح و آشکار است این است که اگر چه بانک های اجتماعی، همانند بخش تأمین مالی اجتماعی (که نه تنها شامل بانک ها می باشد بلکه شامل صندوق ها و مؤسسات اجتماعی نیز می شود) به لحاظ کمی و کیفی، هنوز به نسبت، عامل هایی کوچک در بازار تأمین مالی به شمار می آیند، اما اهمیت این نهادها در حال افزایش است. (صالحیدوست و یزدانی، ۱۳۹۵) همین مقدار رشدی هم که اتفاق افتاده اثرات جانبی ایجاد کرده که ممکن است در بلند مدت، اهمیت بیشتری نسبت به مقدار دارایی ها داشته باشد و اثر جانبی این است که این رویکرد بانکداری، به نحوی موج تأثیرات فرهنگی به راه انداخته است.

در واقع، بانکداری اجتماعی توسعه محور، ایجاد و تحلیل یک ایدئولوژی را دنبال نمی کند؛ بلکه دورنمای فلسفه بانکداری اجتماعی، تحقق آزادی و حرکت در راستای تسهیل رشد و توسعه کشوری باشد. بدین منظور صنعت بانکداری و تأمین مالی اجتماعی می بایست، به آزاد سازی پتانسیل خلاقانه در محصولات و خدمات مالی توسط امور زیرپردازد:

- ✓ تصمیم سازی با در نظر گرفتن سه وجه مردم، جامعه و سود متعارف
 - ✓ اولویت دادن به ارزش های اجتماعی و فرهنگی به جای نرخ بهره و سود بانکی
 - ✓ ایجاد مفهوم متفاوت از پول و سرمایه
 - ✓ اهمیت به چگونگی مصرف و سرمایه گذاری تسهیلات بانکی با تاکید بر رشد و توسعه اقتصادی (نه اقتصاد کاذب)
- برای واقعی شدن ادعای بیان شده باید به این نکته توجه کرد که در مواجهه با سیستم، تخصص آگاهانه از کسب و کار، به اندازه ارزش ها و ایده آل ها، مهم هستند. تأمین مالی آزاد و در قالب بازار، به همان اندازه که فعالیت های اخلاقی، اقتصادی هستند، اقتصادی می باشد. در واقع در چنین فضایی، برای فعالیت در زمینه تأمین مالی نباید تنها با رویکرد فلسفی فعالیت کرد؛ بلکه باید تحت شرایط جهانی سازی با بازارهای مالی، منابع مالی به درستی و با در نظر گرفتن اصل کارایی، مورد استفاده قرار بگیرند که این به معنی استفاده از منابع مالی بدون ضرر و با دستیابی به رشد می باشد. تنها در مواقعی که در فعالیت های تأمین مالی، هر دو جنبه اقتصادی و اخلاقی، هم زمان مورد توجه قرار بگیرند، محصول اجتماعی در بانکداری اجتماعی قابل حصول خواهد بود. (پورزندگی و طباطبایی ۱۳۹۶، ۲۶)

البته باید در نظر داشت این نوع بانکداری در کشور های در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد، زیرا در صورتی که به درستی اجرا نشود هیچ نتیجه ای در بر نخواهد داشت، اما در صورت تحقق می تواند پس از عملیاتی شدن به عنوان یک مقوله مهم و تاثیر گذار در رشد و توسعه کشور تغییرات قابل محسوسی به دنبال دارد.

منابع

۱. آمارتیا سن. (۱۳۷۷). اخلاق و اقتصاد. تهران: نشر شیرازه.
۲. آمارتیا سن. (۱۳۷۹). آزادی و برابری. تهران: شیرازه.
۳. آمارتیا سن. (۱۳۸۹). توسعه به مثابه آزادی. تهران: نشر نی.
۴. آمارتیا سن. (۱۳۹۰). اندیشه عدالت. تهران: نشر کندوکاو.
۵. ابراهیم موسی خانی، حمید آقایی قهی. (۱۳۹۲). بانکداری اجتماعی، تأمین مالی جمعی، پاسخهایی برای بحران اقتصادی. تهران: عصر نوین.
۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴). گزارش اقتصادی و ترازنامه. www.cbi.ir. مهر ۱۳۹۶
۷. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار و داده های بانکی، حساب های ملی و آمار های بانکی. www.cbi.ir. آبان ۱۳۹۶
۸. حساس یگانه، یحیی و برزگر، قدرت اله. (۱۳۹۲). شاخصهای بعد اجتماعی مسئولیت شرکتهای و وضعیت موجود آن در ایران. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی.
۹. حسین محمد پور زرنندی و محسن طباطبایی مزدآبادی. (۱۳۹۶). بانکداری اجتماعی با نگاهی به اقتصاد شهری و آموزش منابع انسانی. تهران: انجمن علمی اقتصاد شهری ایران.
۱۰. خورسندیان، علی؛ مرادپور، عباس و شعبانی، مرجان. (۱۳۹۳). ارائه الگویی برای بانکداری اخلاقی. فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی.
۱۱. زهرا کریمی موعاری. (۱۳۹۲). سرمایه داری شایسته، راهکاری برای تحول در نظام اقتصادی. تهران: مرکز پژوهش های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی.
۱۲. زیمیل، جورج. (۱۳۸۶). مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. صادق میروسی نیک. (۱۳۹۴). توسعه انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت آماری سن. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی.

۱۴. صادقی و عرفان منش. (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. راهبرد فرهنگ-۲۹.
۱۵. صفورا صالحیدوست، مهدی یزدانی. (۱۳۹۵). بانکداری اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری. همایش بین المللی اقتصاد شهری. تهران.
۱۶. علی اشرف افخمی. (۱۳۹۴). بانک های توسعه ای مبانی، کارکردها و مطالعات تطبیقی. تهران: اولین همایش نقش بانک های توسعه ای در توسعه و رونق اقتصاد کشور.
۱۷. علی زنگی آبادی، رحمان علی حسینی. (۱۳۸۹). سیر تحول بانکداری از آغاز تا کنون. مجله بانک و اقتصاد شماره ۱۱۰.
۱۸. علی ماجدی، حسن گلریز. (۱۳۷۳). پول و بانک (از نظریه تا سیاست گذاری). موسسه بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. علی نجفی، محسن محمد نوربخش، فاطمه جانعلی زاده، مرجان قنبری. (۱۳۹۴). بینان های رفتاری مسئولیت اجتماعی و بانکداری اجتماعی. همایش ملی پژوهش کاربردی در حسابداری، اقتصاد و مدیریت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.
۲۰. قطبی، نیلوفر. (۱۳۹۲). شناسایی ابعاد بانکداری اجتماعی. سومین همایش سالانه بانکداری الکترونیک و نظامهای پرداخت.
۲۱. کوزر، لیوئیس. (۱۳۸۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، چاپ یازدهم.
۲۲. گزارش سالانه وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳).
۲۳. محمد رضا دهشیری. (۱۳۹۴). جهانی شدن و توسعه پایدار. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هفتم/شماره چهارم.
۲۴. محمد علی ابوترابی، محمد علی فلاحی، مصطفی سلیمی فر و سید محمد حسینی. (سال پانزدهم شماره چهارم زمستان ۱۳۹۴). اثر مالکیت دولتی بانکها بر رابطه علی توسعه مالی - رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار).
۲۵. محمد علی فلاحی، محمد علی ابوترابی. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه های نقش سیستم بانکی و بازار سهام در رشد اقتصادی. فصلنامه اقتصاد پولی، مالی.
۲۶. مصطفی سلیمی فر، محمد جواد رزمی، محمد علی ابوترابی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه علی شاخصهای توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه اقتصاد مقدری، دوره ۷، ۷۵-۱۰۳.
۲۷. واندنبرگ، فردریک. (۱۳۸۶). جامعه شناسی جورج زیمل، ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا.
۲۸. وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). عملکرد بانک های دولتی و خصوصی در پایان اسفند ۱۳۹۳. تهران: فصل نامه بانک- شماره ۴۰.
۲۹. هربرت مارکوزه، ترجمه یوسف نراقی. (دی ۱۳۵۷). نظریه ماکس وبر درباره سرمایه داری و صنعتی کردن. مجله ی نگین، شماره ۱۶۲، ۴۲-۱۵.
۳۰. هزار جریبی جعفر، ارفعی مقدم عبدالمجید. (۱۳۹۴). جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سال های ۱۳۶۱-۱۳۹۱. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هفتم/شماره دوم.

31. Angelidis, John P. Ibrahim, Nabil A. (1994). Effect of board members' gender on corporate social responsiveness orientation. *Journal of Applied Business Research*, 35.
32. Benedikter, R. (2011). *Social Banking and Social Finance Answers to the Economic Crisis*. Stanford University the Europe Center Stanford.
33. Carboni, V. (2011). *Banking on Ethics*. Ford Foundation and the Charles Stewart Mott Foundation. 7-23
34. Deflem, M. (2003). The Sociology of the Sociology of Money, Simmel and the Contemporary Battle of the Classics. *Journal of Classical Sociology*, 38-52
35. Enderle, G. & Tavis, A.L. (1998). A balanced concept of the firm and the measurement of its long-term planning and. *Journal of Business Ethics*, 76-93
36. Esther M. Schmitt & Sanika Hufeland. (2016). Opportunities & challenges, A survey with a particular focus on digitalisation. Witten / Germany: ISB Paper Series.
37. Georges EnderleLee A. Tavis. (1998). A Balanced Concept of the Firm and the Measurement of Its Long-term Planning and Performance. *Journal of Business Ethics*, pp 1129-1144.
38. Goldsmith, R. W. (1969). *Financial Structure and Development: Study in Comparative Economies*. New Hauen: Yale University Press.
39. Hoepner, A. & J. Wilson. (2010). Social, Environmental, Ethical and Trust (SEET) Issues.
40. Institute for Social banking. (2017). <https://www.social-banking.org>. Wilhelmine-Gemberg-Weg 12 - 10179 Berlin / Germany.
41. James, B. A. (2008). What Are the Mechanisms Linking Financial Development and Economic Growth in Malaysia; *Economic Modeling*, 25(1): 38-53.
42. K.A. Goyal & Vijay Joshi. (2011, 2 5). A STUDY OF SOCIAL AND ETHICAL ISSUES IN BANKING INDUSTRY.
43. King, Robert & Levine, R. (1993). Finance, Entrepreneurship, and Growth: Theory and Evidence. *Journal of Monetary Economic*, 32(3): 513-542.

44. Lerner, D.L. & Fryxell, E.G. (1988). An empirical study of the predictors of corporate social performance: a multidimensional. *Journal of Business Ethics*.
45. Linda D. Lerner and Gerald E. Fryxell. (1988). an Empirical Study of the Predictors of Corporate Social Performance: A Multi-Dimensional Analysis. *Journal of Business Ethics*, pp. 951-959.
46. Mc. Kinnon. (1973). *Money and Capital in Economic Development*. Washington D.C: Brooking Institute.
47. Robin Burgess, Grace Wong, Rohini Pande. (2005). *BANKING FOR THE POOR: EVIDENCE FROM INDIA*. *Journal of the European Economic Association*.
48. Shifa Mohd Nor, Ruzita Abdul Rahim, Zizah Che Senik. (2014). the potentials of internalizing social banking among the Malaysian Islamic banks. Springer.
49. Smith, R. (2005). *Defining corporate social responsibility*. University of Pennsylvania, Graduate School of Arts and Sciences.
50. Tlemsani, I. & R. Matthews. (2002). *Ethical Banking: The Islamic View*.
51. Trablesi, M. (1998). *Finance and Growth: Empirical Evidence from Developing Countries 1960-1996*. *Economic Research Forum*.